

دوفصل‌نامه تاریخ ادبیات، نشریه علمی
دوره سیزدهم، شماره ۲، پاییز و زمستان ۱۳۹۹
شماره پیاپی: ۸۴/۲، نوع مقاله: علمی- پژوهشی

• دریافت ۹۹/۱۱/۱۵

• تأیید ۱۴۰۰/۰۱/۲۵

سامانه‌های چندرسانه‌ای و دیجیتال در مطالعات اوستایی

صبا لطیف پور*

چکیده

در پژوهش حاضر، با شرح لزوم ارائه نسخه‌ای جدید از متن اوستا، به بررسی و مقایسه مطالعاتی پرداخته می‌شود که در زمینه رقمی کردن یا به صورت دیجیتالی درآوردن^۱ این کتاب در دنیا در حال انجام است به قصد رسیدن به امکان تهیه نسخه‌ای جدید از آن. مشاهده، مقایسه و تحلیل ما را در شیوه مطالعه تاریخی- توصیفی این پژوهش یاری می‌رساند. طی بحث به معرفی دو مرکز اصلی خواهیم پرداخت که در حال انجام مطالعات چندرسانه‌ای و دیجیتال روی نسخ متن اوستا هستند. دو مؤسسه مذکور در شهرهای لندن و برلین و با همکاری نهادها و افرادی از سراسر جهان در حال پیشبرد مطالعات چندجانبه خود هستند. پژوهش‌های جاری در این زمینه در این دو دانشگاه شباهت‌ها و افتراقاتی با یکدیگر دارند که تعدادی از آنها را نیز بر خواهیم شمرد. چنین کار بزرگی با موانع متعددی روبه‌رو است و رسیدن به ویراست جدیدی از اوستا را با تأخیر و دشواری مواجه می‌سازد. اما چه بسا که با شناخت بیشتر پژوهشگران این حوزه نسبت به چنین طرح‌هایی و همکاری‌های آنان، روند دشوار و طولانی دستیابی به ویراستی درست‌تر از کتاب اوستا تسهیل شود.

کلید واژه‌ها:

اوستا، یسنا، چندرسانه‌ای، دیجیتالی کردن.

Abstract**Digital and Multimedia Organizations in Avestan Studies**

Saba, Latifpour*

In this paper we discuss the necessity of presenting a new version of Avesta, the old text and Zoroastrian holy book. Also we present and compare the ongoing studies in the field of digitalize this book with the aim of representing a new edition. Through observation, collation and analysis, we use historical-descriptive method in this article; we also will present two main institutes that are studying on digitalize the Avestan versions. The two mentioned institutes are located in London and Berlin and numerous Institutions and individuals are collaborating in these extensive studies. Current researches in this field at these two universities has similarities and differences that Some of them will also be considered. Such a big project faces several obstacles and aiming a new Version of Avesta book is confronting deferment and difficulties; but it is hoped that cooperation of scholars in this field facilitates this process.

Keyword: Avesta, Yasna, multimedia, digitalize.

* Assistant professor, Advanced Research Institute of Art, Iranian Academy of Arts.
Teran. Iran. sabalatifpour@gmail.com

مقدمه

اوستایی از خانوادهٔ زبان‌های شرقی ایرانی و در دستهٔ زبان‌های باستانی ایران طبقه‌بندی می‌شود. پیشینهٔ مطالعه روی این زبان به سدهٔ هجدهم میلادی بازمی‌گردد. از آن زمان تاکنون دسته‌بندی‌های مختلفی برای متونی که از این زبان بر جای مانده، ارائه شده است. خواندن و ترجمهٔ متون اوستایی همواره با دشواری‌های بسیاری روبرو بوده و ترجمهٔ بسیاری از واژگان کلیدی همواره مورد بحث زبان‌شناسان، عالمان دینی زرتشتی و محققان تاریخ و فرهنگ واقع شده است؛ واژگانی که تفاوت در پذیرش معانی برای آنها می‌تواند معنای متن را به کلی تغییر دهد. گاه برای یک واژه یا ترکیب معانی بسیار متعدد و دور از یکدیگر ارائه شده است که پذیرش هر کدام از آنها می‌تواند به تغییر باورها در زمینهٔ متون مورد بحث منجر گردد.

می‌دانیم که اوستا از حدود هزارهٔ دوم پیش از میلاد مسیح، سلسلهٔ متون آیینی بوده که در آیین‌های مردمانی خوانده می‌شده است که امروزه آنان را تحت عنوان زرتشتیان می‌شناسیم. نظر غالب بر این است که این متون تا سدهٔ پنجم یا ششم میلادی، یعنی دوران ساسانیان مکتوب نشده بودند و به صورت شفاهی و نسل به نسل انتقال داده می‌شدند. پس از به نگارش در آمدن متن اوستا، تا مدت زمانی اوستا همچنان به صورت شفاهی انتقال پیدا می‌کرد. اما رفته رفته دیگر لزومی به از بر کردن این متن‌ها دیده نشد و موبدان اجراکنندهٔ مراسم تنها بخش‌هایی از آن را به حافظه می‌سپردند و بقیه را از روی نوشتهٔ اوستایی می‌خواندند. احتمالاً به تدریج میزان متنی که از بر می‌شد، کمتر شده است. امروزه، دست‌کم در ایران، موبدان بخش بسیار کمی از متن را به حافظه سپرده و بقیهٔ آن را از روی کتاب می‌خوانند.

نخستین ترجمه از متن به دست آمده از اوستا را دوپرون^۱ در سدهٔ هجدهم میلادی (دوپرون ، ۱۷۸۱) ارائه کرد. سپس با وقفه‌ای نسبتاً طولانی راسک^۲ در اواسط سدهٔ نوزدهم، مطالعه روی این متون را ادامه داد. کتاب او به‌عنوان یکی از نخستین آثار در زمینهٔ مطالعهٔ زبانی که متن اوستا با آن نوشته شده است، علیرغم محدودیت‌هایش، از اهمیت بالایی برخوردار است. او با معرفی و آوانویسی حروف اوستایی، معرفی برخی واژه‌های مهم و روند تحول تعدادی از واژه‌گاه اوستایی تا فارسی نو کار خود را آغاز کرد و حالات صرفی اسم‌ها و افعال را، تا جایی که شناخته بود، معرفی کرد. (راسک، ۱۸۲۶) گلدرن، اشیپگل^۳، دارمستر^۴ و بارتولومه^۵ از محققانی بودند که کارهای آنها تحول زیادی در مطالعات اوستایی ایجاد کرد. گلدرن، محقق آلمانی، کار خود را با بررسی وزن‌های شعری در اوستای نو شروع کرد (گلدرن، ۱۸۷۷) و نقطهٔ عطفی در این زمینه در

مطالعات پیش و پس از آن به وجود آورد. اونشان داد وزن‌های اوستای نو با وزن‌های متون ودایی و گات‌ها در ارتباطند. گلندر پس از آن با مقایسه تعدادی از نسخه‌های اوستای پارسیان، ویراست خود را از اوستا ارائه داد که مورد قبول زرتشتیان و ایران‌شناسان واقع شد. او در حین مطالعه روی نسخ تعدادی مقاله ارزشمند نیز در این زمینه منتشر کرد. او در این مرحله و پس از مطالعات گسترده روی متون ودایی، هر یک از متون اوستایی و ودایی را در جایگاه فرهنگی و اساطیری سرزمین خود مورد بررسی قرار داد. اشپیگل آلمانی نیز در مطالعات خود نسخه‌های اوستا را مورد توجه قرار داد. او برای فهم بهتر اوستا، متون پهلوی و پازند را نیز مورد مطالعه قرار داد. او شاگردان مهمی نیز در زمینه مطالعات اوستایی تربیت کرد و تعدادی از متن‌های دستنویس اوستا را نیز با توجه به تفاوت‌هایشان با یکدیگر منتشر کرد. از نکات مهمی که او برای نخستین بار مورد توجه قرار داد تأثیرات پهلوی در اوستا بود. کارهای اشپیگل و وسترگارد تقریباً همزمان و مکمل و یاری‌رساننده یکدیگر بودند. اشپیگل برای سنت نوشتار اوستا اهمیت درخوری قائل شد. اما در بخش تفسیر متون بر اساس وادها تا اندازه‌ای به خطا رفت. اما باید یادآور شد که نخستین اثر در معرفی دستور زبان اوستایی کار او بوده است. اشپیگل یک دستور زبان تطبیقی از زبان‌های ایرانی کهن نیز تألیف کرد که در نوع خود اثری بسیار ارزشمند و قابل‌اتکا بود که راه را برای درک زبان و فرهنگ دوران پیش از نگارش این متون می‌گشود. دارمستتر با ترجمه‌ای که از متن اوستا ارائه داد، گام مهمی در مطالعات اوستایی برداشت. او مطالعات گسترده‌ای نیز روی آیین‌های زرتشتیان انجام داد که علاوه بر ثبت گزارش‌ها به درک بهتر او از متون و باورها کمک کرد. این محقق به تفاوت‌های اجرای آیین‌ها در ایران و هند نیز نظر داشت. بسیاری از مفاهیم آیینی زرتشتی را دارمستتر بود که برای نخستین بار شناساند. اما متأسفانه برخی یافته‌های او در زمان خودش مورد توجه قرار نگرفتند و این مسأله پیشرفت مطالعات اوستایی را تا اندازه‌ای دچار تأخیر کرد. بارتولومه که به ضرورت تلفیق سنت بومی پارسیان هند با روش‌های کلاسیک غربی و زبان‌شناسی تطبیقی در تفسیر متون اوستایی واقف بود، زمینه‌ای تازه در نگرش به زبان‌شناسی اوستایی ایجاد کرد. او اوستایی را در بیکره زبان‌های هندواروپایی مورد بررسی قرار داد و شیوه‌هایی نو برای تحلیل زبان‌شناختی زبان‌های هندوایرانی وضع کرد. بررسی‌های او در واج‌شناسی و ارجاع به زبان مرجع هندوایرانی از اهمیت فراوانی برخوردار است. اما مهم‌ترین و اثرگذارترین کار او *واژه‌نامه ایرانی باستان* است. بارتولومه در کار خود به ویراست گلندر بسنده نکرد و تا جایی که به نسخ دسترسی داشت، آنها را نیز مد نظر قرار

داد و بعدها با دسترسی به متونی جدید، مکملی نیز بر آن افزود. اهمیت این اثر برای کسانی که در این حوزه مشغول مطالعه هستند کاملاً روشن است. او مطالعات خود را روی متون گاهانی متمرکز کرد. در سده نوزدهم اختلاف اصلی بر سر فهم اوستا این بود که آن را بر اساس ترجمه پهلوی بفهمیم یا بر اساس زبان‌شناسی مقایسه‌ای و مقایسه‌اش با سنسکریت متون ودایی. مکتب خوانش مقایسه‌ای - تطبیقی را گلندر و مکتبی که پیرو خوانش اوستا بر پایه ترجمه پهلوی آن بود یا مکتب سنتی را اشیپگل و دارمستر نمایندگی می‌کردند. با گذشت زمان و در پی مباحثی شیوه فهم اوستا بر اساس مطالعه تطبیقی چیره شد. در سده‌های بیستم و بیست‌ویکم میلادی مطالعات اوستایی با شناخت بیشتر از زبان‌های هم‌خانواده به اوج خود رسید و امروزه و در چند دهه متأخر تحولات وسیعی به خود دیده است. در ابتدای قرن بیستم مطالعات آندریاس^۷ باب جدیدی را در نظریات مربوط به زبان اوستایی گشود. او در سال ۱۹۰۲ این تئوری را مطرح کرد که اوستای موجود حاصل کار یک گروه موبدان کم‌آگاه بوده است که در زمان ساسانی با دانشی کم اوستای اشکانی را رونویسی کرده‌اند و به سبب اغلاطی که در خوانش از اوستای اشکانی مرتکب شده‌اند، امروز نیاز به بازسازی متن اوستا وجود دارد (آندریاس، ۱۹۰۲ (۱۹۰۳)). اما چندی بعد هنینگ^۸، بیلی^۹ (نک همو، ۱۹۵۸، ۱۵۱-۱۶۰)، بنونیست^{۱۰} و مورگشتیرنه^{۱۱} تحقیقاتی را منتشر کردند که بسیاری از نتایج پیشین را زیر سؤال برد؛ مثلاً بیلی و دیگران بر این نظر پافشاری کردند که خط اوستایی خط بسیار دقیقی است و نمی‌توانسته حاصل کار موبدانی ناآگاه باشد. این گروه از صاحب‌نظران از اساس، در اصل وجود نسخه اشکانی تردید کردند. برخی دیگر از اندیشمندان مانند هنینگ و مورگشتیرنه نیز بودند که اصل وجود اوستا در زمان اشکانی را زیر سؤال نبردند، اما در اهمیت آن تردیدهای جدی مطرح کردند. پس از آن افرادی مانند دوشن-گیمن^{۱۲} با استفاده از نظریات آندریاس در کنار دیگر مطالعات، پیشرفت‌های فراوانی در این حوزه مطالعاتی حاصل کردند. هومباخ^{۱۳} (۱۹۵۹) و گرشویچ^{۱۴} (۲۰۰۷) نیز در قرن بیستم و اوایل قرن بیست‌ویکم آثاری منتشر کردند که گام‌های بزرگی برای تکمیل شناخت ما از متون اوستایی به شمار می‌آید. آثار هوفمان^{۱۵} نیز با رویکرد چندجانبه‌نگر خود باعث پیشرفت در این حوزه شده‌اند؛ از جمله شناخت ارزش آوایی نشانه‌های خط اوستایی. نظریات کلنیز در ۱۹۹۸ مبنی بر این که اوستای موجود از یک سنت آیینی می‌آید و ارتباطی با اوستای بزرگ ساسانی ندارد (کلنز، ۱۹۹۸) نیز اتفاقی تعیین‌کننده بود.

روش و ابزار اجرای پژوهش

روش اصلی در پژوهش حاضر شیوه تاریخی-توصیفی است، بدان معنا که با مطالعه سرگذشت متنی که امروزه با نام اوستا در دست داریم و نیز با معرفی سابقه پژوهش‌های انجام‌شده بر روی این متن تاریخی از زمان بازخوانی و ترجمه آن، به بررسی روندی می‌پردازیم که مطالعات جدید، با بهره‌گیری از ابزارهای فنی نوین در این زمینه پی گرفته‌اند. از سوی دیگر این مطالعه را می‌توان نوعی موردپژوهی در نظر گرفت. زیرا تنها به بررسی متن اوستا و به‌ویژه بخش یسنا از آن خواهیم پرداخت، در کنار معرفی شیوه‌هایی که برای تدوین ویراستی جدید از آن در حال اجرا است. زمینه مورد نظر در این گفتار همان‌گونه که اشاره شد، کتاب بزرگ اوستا و بخشی از آن به نام یسنا است. داده‌ها از طریق مطالعات کتابخانه‌ای، مطالعه سایت‌ها و اطلاعات برخط مؤسسه‌ها و نیز مکاتبه با محققانی صورت گرفته که مسئول پروژه‌های مذکور یا بخشی از تیم کاری آنها هستند.

مطالعه تاریخی، تقسیم‌بندی و مقایسه، ابزارهایی هستند که در مقاله حاضر مورد استفاده قرار گرفته‌اند، بدین صورت که با نگاهی به مطالعات روزآمد دیجیتال و چندرسانه‌ای در زمینه کتاب اوستا و زبان اوستایی، روش کار، مراحل انجام طرح، شیوه تحقیق و اجرا و نیز نتیجه حاصل از آنها را بررسی و در نهایت با یکدیگر مقایسه خواهیم کرد.

ضرورت انجام تحقیق

دنیای ایران‌شناسی و زبان‌شناسی امروزی، به اهمیت کتاب اوستا و نقش درک درست آن در فهم فرهنگ ایران کهن به‌درستی پی برده است. به همین جهت است که تلاش‌هایی برای رسیدن به ویراستی جدید از این کتاب کهن در جریان است. متأسفانه چنین پژوهش‌هایی در بیرون از مرزهای ایران جریان داشته و پژوهشگران ایرانی نقش کمتری در این روند دارند و گاه اطلاع اندکی نیز از چگونگی مطالعات مذکور در اختیار دارند. در این صفحات می‌کوشیم چند طرح اصلی که در آنها با استفاده از ابزارهای به‌روز تلاش برای ارائه نزدیک‌ترین ویراست به نسخه اصلی اوستا ادامه دارد را معرفی کنیم و به ویژگی‌ها، چپستی، شباهت‌ها و تفاوت‌های آنها در روش‌هایشان و فرآیند پیشرفت کار در آنها بپردازیم. آگاهی این‌چنین از مطالعات جدید اوستایی در جهان به پژوهشگران و دانشجویان این حوزه کمک می‌کند که علاوه بر اندیشه درباره چرایی و اهمیت چنین پژوهش‌هایی، طرح‌های احتمالی برای مطالعات مشابه را پرورده یا در این طرح‌های بزرگ مشارکت کنند.

یافته‌ها

بر اساس تاریخچه‌ای که درباره مطالعات اوستایی در جهان از ابتدا تا کنون ذکر شد و نیز با در نظر گرفتن اشتباهاتی که گلندر در ویراست خود از اوستا دچار آنها شده است و درباره آن بیشتر سخن خواهیم گفت، میان صاحب‌نظران این رشته تصمیم بر آن شد که ویراستی جدید از اوستا ارائه شود. جا دارد یادآوری کنیم که هنگامی که درباره اشتباهاتی که به ویراست گلندر راه یافته‌اند سخن می‌گوییم، قصد بر نادیده‌انگاشتن ارزش کار او نیست. چرا که بر هر پژوهشگر در حوزه مطالعات زبان‌های باستانی ایران روشن است که ویراست او از اوستا چه خدمتی به مطالعات اوستایی کرده است. اما گذشته از آن که در هر کاری اغلاطی راه می‌یابد، با گذر زمان و کشف دست‌نویس‌های تازه، روزه‌ای جدید در مطالعات اوستایی گشوده شده که لزوم بازنویسی ویراستی از آن را روشن‌تر ساخته است.

گذشته از مباحث زبانی، تقسیم‌بندی متون اوستا نیز در چند دهه اخیر مورد توجه صاحب‌نظران و پژوهشگران بزرگ این حوزه واقع شده است. گفتیم که آخرین ویرایش پذیرفته‌شده از متن اوستا را گلندر در سده نوزدهم میلادی ارائه کرد که تا به امروز نیز نزد دانشگاهیان مورد پذیرش و ارجاع است. اما مطالعات در دو سه دهه اخیر نشان می‌دهد که می‌توان این متون را به شکلی کاملاً متفاوت طبقه‌بندی و ارائه کرد و حتی متفاوت خواند.

به راستی هم که دستیابی به ویراست جدیدی از اوستا لازم است. تقریباً تمامی نسخه‌هایی که گلندر برای کارش مورد بررسی قرار داده است، نسخه‌های هندی بوده و نسخه‌های ایرانی تا زمان او چندان شناخته نشده بودند و چند نسخه ایرانی موجود هم در کتابخانه‌های هند بوده‌اند و این در حالی است که نسخه‌های ایرانی از اصالت بیشتری برخوردارند و برای رسیدن به خوانشی درست‌تر مطالعه آنها ضروری است. گلندر علاوه بر عدم دسترسی به بسیاری از نسخه‌های قدیمی و مهم، تعدادی از آنها را نیز در دسترس داشته که به اهمیت آنها پی نبرده و به همین سبب در ارائه ویراست خود کمتر به آنها تکیه کرده است. برخی اشتباهاتی که به سبب شکل خط در نسخه‌های هندی اتفاق افتاده‌اند، در نسخ ایرانی قدیمی‌تر وجود نداشته‌اند و این سبب راهیابی برخی خوانش‌های نادرست از حروف و در نتیجه کلمات در ویراست گلندر شده است. امروزه با در دست بودن تعداد زیادتر از نسخه‌ها ما آسان‌تر می‌توانیم نسخه‌های هم‌خانواده را تشخیص دهیم و پی ببریم کدامیک از نسخه‌ها اولویت زمانی داشته‌اند و این راهی است برای رسیدن به خوانش درست‌تر که گلندر آن را در اختیار نداشته است. بسیاری از شجره‌هایی که

گلدنر برای نسخه‌ها تشخیص داده است، امروزه مورد بحث و بازبینی قرار گرفته است. علاوه بر این گلدنر نیز پیرو وسترگارد^{۱۶} (نک وسترگارد، ۱۸۵۲-۱۸۵۴) در هنگام بررسی متون وندیداد، وندیدادهای پهلوی را به وندیدادهای ساده ترجیح داده است، در حالی که تحقیقات بعدی از جمله کارهای اشیگل و سپس تحقیقات جدیدتر نشان دادند که ارزش و اعتبار وندیدادهای ساده نیز به اندازه وندیدادهای پهلوی است (کانترا، ۲۰۰۱، ۲۰۱-۲۰۲). دیگر این‌که در زمان گلدنر برخی نشانه‌های آوایی که بعدها هوفمان^{۱۷} آنها را شناخت، تشخیص داده نمی‌شدند، مانند صورت‌های مختلف «ش» (نک همو، ۱۹۷۵-۱۹۷۶).

سال‌ها بود که پژوهشگران و صاحب‌نظران با مطالعه متن اوستا به این نتیجه رسیده بودند که ویراست پیشین کفایت و دقت لازم را برای پاسخگویی به نیازهای مطالعاتی موجود ندارد. تصمیم به ارائه نسخه جدیدی از اوستا، هم‌زمان شد با مقاله‌ای از دکتر مزداپور در سال ۱۳۸۷ که در آن وجود نسخه‌های جدیدی از اوستا را گزارش کرده بود. این روند با تشویق زرتشتیان به معرفی اوستاهایی که در کتابخانه‌های خود داشتند و سفرهای آلبرتو کانترا^{۱۸} به ایران ادامه پیدا کرد. حال، با یافتن نسخه‌های متعدد از این کتاب، گام بزرگی در راستای رسیدن به ویراست جدید برداشته شده است.

مطالعات پیشروی امروزی در زمینه متون اوستایی را می‌توان در دو حوزه زبانی و آیینی دسته‌بندی کرد؛ یعنی مطالعاتی که به حوزه آموزش زبان و بررسی زبان‌شناسانه اوستا و زبان اوستایی می‌پردازد و پژوهش‌هایی که اوستا را بر اساس نحوه به‌کارگیری آن در آیین‌های زرتشتی مورد بررسی قرار داده و ویراست جدیدی از این کتاب را مد نظر دارد. هدف ما در این گفتار، معرفی اجمالی فعالیت‌هایی است که در این حوزه صورت می‌گیرد و امید بر آن است که با گام‌های بزرگی در چند زمینه از جمله مطالعات چندرسانه‌ای و دیجیتالیزه کردن اوستا به ارائه ویراست جدیدتری از اوستا بیانجامد. بسیاری از این مطالعات جدید هنوز در ایران چندان شناخته شده نیستند و دانشجویان و حتی گاه پژوهشگران از گستره چنین مطالعاتی کمتر اطلاع دارند. شاید آنان، به‌عنوان متخصصانی از سرزمین خاستگاه متن اوستا، با امکانات و دسترسی‌های خود و با علم دقیق‌تر به چگونگی چنین مطالعاتی تشویق به همکاری با مؤسسات مربوطه شوند تا گامی به ویراست کامل‌تر کتاب اوستا نزدیک‌تر شویم.

امروزه مطالعات و پژوهش‌های عمده در زمینه کتاب اوستا و مطالعات اوستایی در شهرهای لندن، برلین و دانشگاه‌هایی در اسپانیا و هلند در حال انجام است. البته در چند شهر دیگر نیز

پژوهش‌هایی صورت می‌گیرد که بخش بزرگی از آنها در همکاری با طرح‌های اصلی مذکور هستند. دو پروژه اصلی در زمینه مطالعات دیجیتال بر اوستا، دانشگاه سوآس^{۱۹} در لندن و دانشگاه آزاد برلین^{۲۰} هستند.

در ادامه دو طرح جاری اصلی روی نسخه‌های اوستا را معرفی کرده و به چگونگی اجرای آنها جهت دستیابی به ویراست جدیدی از این کتاب می‌پردازیم.

۱. نخستین طرح مربوط به مطالعاتی است که در لندن و در دانشگاه سوآس در حال انجامند. دانشگاه مذکور در حال حاضر مطالعات خود را بر بررسی اوستا بر اساس آیین‌ها متمرکز ساخته است. مهم‌ترین پروژه‌ای که اکنون در این حوزه در دانشگاه مورد ذکر در حال انجام است «مویا»^{۲۱} نام دارد که مخفف «طرح چندرسانه‌ای یسنا»^{۲۲} است. در این طرح با تمرکز بر خوانش اوستا بر اساس آیین‌های درحال برگزاری، متن اوستا بر اساس آداب یسناخوانی یا همان یزشن مورد بررسی و طبقه‌بندی قرار می‌گیرد. یسنا یا یسناخوانی مراسمی است که در آن موبدان زرتشتی با خواندن بخش یسنا از اوستا به اجرای مراسم با آداب و اعمال ویژه‌ای می‌پردازند. به دلیل آن‌که این آیین دینی مانند بسیاری از آیین‌های دینی دیگر در سراسر دنیا در حال کوچک شدن، خلاصه شدن و ساده‌تر شدن است، روندی که در اجرای مراسم آن می‌بینیم، به شکلی مداوم در حال تغییر و مختصرسازی بوده و حتی گمان ناپودی آن می‌رود. این آیین امروزه از شهری به شهر دیگر و از یک جامعه زرتشتی به نهاد زرتشتی دیگر متفاوت است. مثلاً پارسیان هند (چه به دلیل داشتن آزادی بیشتر برای برگزاری مراسم خود و چه به سبب استحکام اجتماعشان) آیین را بهتر حفظ کرده‌اند. اما در ایران، در جامعه زرتشتی امروزه این آیین بسیار خلاصه شده است، تعداد موبدان اجراکننده آن کاهش یافته و متنی که در مراسم خوانده می‌شود نیز کوتاه‌تر شده است.

گروهی که روی طرح «مویا» کار می‌کنند، در چهار بخش کلی در حال تحقیق و تکمیل بررسی‌ها هستند. بخش نخست به بررسی اجراها و آموزش‌های آیین‌های یسناخوانی می‌پردازند. حاصل تحقیقات در این بخش، فیلمی کامل از اجرای مراسم کنونی یسنا همراه با زیرنویس‌هایی به صورت فراداده^{۲۳} خواهد بود که شامل آوانویسی متن اوستا، ترجمه انگلیسی آن و اطلاعاتی کلی از بخش‌های مهم مراسم است. در بخش دوم مجموعه‌ای از ابزارهای الکترونیک برای ویرایش اوستا فراهم می‌آید که در آن گروه‌هایی از دانشگاه‌های تربیر^{۲۴} (برای تولید ابزار آوانویسی و تولید کتاب)، بیرمنگام^{۲۵} (برای تولید نسخه و مقابله) و

مونستر^{۲۶} (برای بخش دیجیتالی و تحلیل داده‌ها) همکاری می‌کنند تا ویراستی جدید از یسنا را فراهم آورند. در بخش سوم، آوانویسی جدیدی از متن اوستا ارائه خواهد شد که بر پایهٔ نسخ متعدد مکشوفه از این کتاب بوده و حاصل کار با استفاده از یک نرم‌افزار هوشمند تطبیق داده شده و درست‌ترین خوانش ممکن را به خواننده ارائه می‌کند. این نرم‌افزار قابلیت آن را خواهد داشت که محققان و پژوهشگران از سراسر دنیا بتوانند نسخه‌های خود را در آن بارگزاری کرده و به پدیدآمدن دست‌نوشته‌ای کامل‌تر یاری رسانند. هدف در بخش چهارم، به‌دست‌دادن یک نسخهٔ نهایی با استفاده از تحلیل شواهد نسخه‌های موجود است که با تجزیه و تحلیل‌های آیینی، فلسفی، انتقادی و زبانشناسی و در نظر داشتن نمایی کلی از داده‌های جمع‌آوری شده ارائه خواهد شد.

به طور کلی شاید بتوان گفت پروژه‌ای که در دانشگاه سواس در حال انجام است، با تلفیق جدیدترین شیوه‌های دیجیتالیزه کردن اطلاعات، تحلیل‌های زبان‌شناسانه و نیز ثبت دقیق سنتی‌ترین آیین‌ها تلاش دارد به دستاورد اصلی خود نائل شود که فراهم‌آوردن نسخه‌ای درست‌تر و قابل‌تکیه‌تر از بخش یسنای اوستا است.

پژوهشگران طرح مذکور امیدوارند به درک بهتر متن اوستا که ترجمه‌ها و تحلیل‌های آن تاکنون با دشواری‌ها و موانع فراوانی روبه‌رو بوده است، با استفاده از بستری که در آن مورد استفاده قرار می‌گرفته و می‌گیرد یعنی مراسم آیینی، یاری رسانند و نتایج حاصل از تحقیقاتشان پاسخگویی به برخی پرسش‌های مربوط به معنا و عملکرد اوستا (یا دست‌کم بخشی از آن یعنی یسنا) باشد. در نهایت نسخه‌ای جدید از یسنا معرفی خواهد شد که حاصل تلفیق بررسی نسخ مختلف، تحلیل‌های زبان‌شناسی و زبان‌شناسی تاریخی، مطالعات فرهنگی، استفاده از امکانات روز دیجیتال و بررسی مراسم یسناخوانی و جزئیات آیینی آن خواهد بود. راهبری و ریاست این طرح بر عهدهٔ پروفسور آلموت هینتسه^{۲۷} است و گروه‌های پژوهشی مختلفی از سراسر دنیا با آن همکاری دارند. حاصل این طرح، با همکاری بخش «مطالعات علوم انسانی دیجیتال دانشگاه کمبریج»^{۲۸} در سال جاری میلادی در دسترس عموم قرار خواهد گرفت. این طرح، ثبت کامل برگزاری آیین یسنا به‌عنوان سنتی در خطر را نیز انجام می‌دهد. آیین یزشن به راستی در خطر نابودی است. مراسم یسناخوانی که امروزه در ایران اجرا می‌شود، در واقع مراسمی است که از بین رفته بوده و بار دیگر مورد بازسازی قرار گرفته است. حتی در هند و در میان پارسیان نیز اکنون این آیین بسیار به‌ندرت برگزار می‌شود و درخواست برای اجرای آن به طور مداوم کمتر

می‌شود و این احتمال وجود دارد که تا چندی دیگر این آیین به کلی به فراموشی سپرده شود. یکی از مسائلی که در طرح «مویا» مورد توجه قرار می‌گیرد آن است که در بسیاری از موارد، نسخه‌های اوستا و به طور مشخص نسخه‌های یسنا، از روی نوشته‌های پیشین رونویسی نمی‌شده است، بلکه به نسبت استفاده‌ای که در آیین داشته است، توسط یک موبد خوانده می‌شده و موبد دیگری آن را می‌نوشته است. بدین سبب است که نیرنگ‌ها اهمیت خاصی در متن می‌یابند و گاه متن به نسبت اختلاف‌های اندک در نوع برگزاری آیین در مکتب‌ها یا شهرهای مختلف دارای تفاوت‌هایی است. از زمانی که موبدان ارتباط بیشتری با یکدیگر یافتند و مشغول سفر به شهرهای یکدیگر شدند، یک‌دستی بیشتری در آیین‌ها و در نتیجه در خوانش‌ها و نوشته‌های اوستا به وجود آمد و حتی اشتباهات رایج میان دسته‌ای از برگزارکنندگان مراسم در میان دیگر زرتشتیان نیز گسترده شد. در نتیجه یک نوع خوانش یا یک نوع اشتباه مشترک میان چند نسخه، لزوماً نشان‌دهنده این نکته نیست که آن نسخه‌ها به یک شجرهٔ نسخ تعلق داشته‌اند، بلکه می‌تواند بدان معنا باشد که موبدان برگزارکننده آیین‌هایی که این نسخه‌ها را تهیه می‌کرده‌اند، با یکدیگر در ارتباط بوده‌اند. در نظر داشتن چنین مواردی، به ارائهٔ نسخه‌ای دقیق‌تر از یسنا (دست‌کم از لحاظ آیینی) یاری می‌رساند. در اینجا است که بحث جالب تبارشناسی نسخه‌ها به میان می‌آید و با کشف نسخ متعدد، احتمال دستیابی به برداشتی درست‌تر از روند رونویسی نسخ فراهم می‌شود.

هدف از ویرایش اوستا و ابزارهایی که در این طرح به کار رفته‌اند آن است که در نهایت نسخه‌ها به صورت الکترونیک آوانویسی شده و حتی به صورت الکترونیک مقابله شوند. در صورتی که بخش‌هایی این طرح به انجام برسد، می‌توان به نتایج جالبی برای تشخیص صحت، دقت، اهمیت و تقدم نسخه‌ها دست یافت.

۲. پروژه دوم، طرحی است که در دانشگاه برلین در حال انجام است و برخلاف طرح پیشین بخش زیادی از نتایج حاصل از آن برای استفادهٔ عموم روی شبکهٔ جهانی اینترنت گذاشته شده است. این طرح «آدا»^{۲۹} نام دارد که مخفف «بایگانی دیجیتال اوستا»^{۳۰} است. طرح «آدا» نخست در دانشگاه سالامانکا^{۳۱}ی اسپانیا آغاز و سپس در برلین پی گرفته شد. این طرح نیز قصد دارد در پی ویراست گلندر که آن را ناکافی می‌داند، ویراست جدیدی از متن اوستا ارائه دهد. دلایلی که مدیران این طرح برای لزوم ارائهٔ ویراست جدیدتری از گلندر به دست می‌دهند، عبارتند از: گلندر به نسخ معدودی دسترسی داشته و در دهه‌ها و به‌ویژه یک دههٔ

اخیر، نسخه‌هایی از اوستا به دست آمده که او هرگز آنها را نمی‌شناخته است؛ از آنجا که گلندر بسیاری از نسخه‌ها را شخصاً بررسی نکرده و متکی بر تحقیقات همکاران یا شاگردان خود بوده است، خطاهای متعددی در ویراست او راه یافته‌اند و حتی اگر خود، شخصاً تمامی آنها را بررسی می‌کرد نیز احتمال بروز چنین درصدی از خطا وجود داشت؛ روش‌های نقد متن از زمان گلندر تحولات زیادی به خود دیده‌اند و نظریات جدیدی در این زمینه مطرح شده‌اند که راه را برای تفسیرهای درست‌تر باز می‌کنند؛ گلندر تمامی خوانش‌هایی را که در دست داشته ثبت نکرده و در بسیاری از موارد تنها به خوانش نسخی که از نظر او از اهمیت بیشتری برخوردار بوده‌اند بسنده کرده است (نک کانتر، ۲۰۱۲). به تمامی این دلایل است که چنین طرحی در مرحله اجرا است و به تدریج و با تکمیل هر بخش از آن سایت مجموعه به روز می‌شود تا زمانی که امکان گردآوری کارها برای فراهم کردن یک ویراست جدید فراهم شود. در طرح «آدا» که برای گردآوری آن تلاش بسیاری شده است، نسخه‌های متعددی از هند و ایران گردآوری شده‌اند. بسیاری از نسخه‌ها در کتابخانه‌های پارسیان هند هستند و دسترسی به آنها مقدور نیست مگر با اقامت‌های طولانی‌مدت. در ایران تعداد زیادی نسخه در چند سال اخیر با تشویق مدیران این طرح و همکاری اساتید این رشته و زرتشتیان مطلع در شهرهای مختلف از کتابخانه‌های شخصی بیرون آمده یا دست‌کم اجازه تصویربرداری از آنها گرفته شده و به بدنه طرح افزوده شده‌اند. ده‌ها پژوهشگر در سراسر دنیا به دیجیتالیزه کردن نسخه‌های تازه یافت شده پرداخته‌اند و حاصل کار آنها به توالی در سایت مجموعه گذاشته می‌شود.

اکنون می‌توان روی سایت «بایگانی دیجیتال اوستا» نسخه‌ها و حتی بندها را بر اساس این موارد به سادگی زیر جست: بر اساس بند، بر اساس کتابخانه‌ای که در آن بوده یا هستند و بر اساس نوع متن. چنین طرحی و حاصل آن که اکنون در دسترس هر پژوهشگر علاقمندی قرار دارد، مقدمه‌ای است بر هدف غایی و نهایی آن که ارائه ویراست جدیدتر، دقیق‌تر و درست‌تری است از آنچه تا کنون با آن سروکار داشته‌ایم. یکی از تفاوت‌های طرح «آدا» با پروژه «مویا» در آن است که «آدا» نه تنها نسخه‌های یسنا، بلکه تمامی نسخ اوستای موجود را برای ارائه ویراست خود مورد مطالعه قرار داده، به یسنا بسنده نکرده و همچنان در پی یافتن نسخه‌های جدید و دیجیتالیزه کردن آنها است. مدیریت پروژه «آدا» بر عهده آلبرتو کانتر استاد اسپانیایی دانشگاه برلین است که این طرح را از زمان اقامت خود در دانشگاه سالامانکا آغاز کرده بود.

نتیجه

با بررسی کوتاه تاریخ مطالعات اوستایی در جهان، شناخت روندی که متن این کتاب از زمان حضور در آیین‌ها تا نگاشته‌شدن و غیر از آن طی کرده است، دیدیم که به چه سبب، با وجود ویراست ارزشمند گلندر از کتاب اوستا، لزوم ارائه ویراستی جدیدتر و معتبرتر از آن همچنان حس می‌شود. پژوهشگران امروزی حوزه مطالعات اوستایی، پس از رسیدن به این نتیجه مهم در صدد آن بر آمدند که راه دراز و دشوار رسیدن به ویراستی بهتر را پیش رو بگیرند. دیدیم که در حال حاضر دو مرکز مهم در جهان هستند که در آنها پروژه‌هایی با تمرکز بر ارائه ویراست نوی اوستا در حال انجام است. پس از معرفی و بررسی پروژه‌هایی که با استفاده از ابزار رقمی یا دیجیتال در تلاش برای رسیدن به نسخه‌ای درست‌تر از ویراست کتاب اوستا هستند، می‌توانیم شباهت‌ها و تفاوت‌های آنها را بدین شرح خلاصه کنیم:

۱. شباهت‌ها:

الف) در هر دو طرح فوق‌الذکر نوشته‌های ابتدا یا انتهای بندها یا همان نیرنگ‌ها نیز مورد توجه قرار گرفته‌اند (نک کانترا، ۲۰۰۱، ۲۰۰). نیرنگ‌ها گاه به اوستایی، گاه به پهلوی، گاه به گجراتی و گاه نیز به پازند هستند. نیرنگ‌ها در نسخه‌های خطی متعددی دیده می‌شوند، اما عمدتاً در متون آیینی‌تر (منظور متونی است که تا دورانی متأخر در مراسم آیینی خوانده می‌شده یا می‌شوند) یعنی یسنا، ویسپرد و وندیداد به چشم می‌خورند. اهمیت نیرنگ‌ها از آن جهت است که اغلب با کمک به درک بهتر متن در قالب آیینی که اوستا در آن خوانده می‌شده است، ما را در تشخیص درست‌تر بسیاری از مفاهیم و خوانش درست بسیاری واژگان یاری می‌رساند.

ب) اشتراک دیگر این دو طرح که مهم‌ترین و در واقع تنها پروژه‌های فعال در زمینه ثبت دیجیتالی اوستا و آیین‌های اوستایی هستند، در آن است که هر دو، رویکرد آیینی^{۳۳} به متن را برگزیده‌اند و رویکرد تفسیری^{۳۳} را برای رسیدن به نتیجه مطلوب کافی نمی‌دانند. چرا که دست‌نوشته‌هایی که امروزه در اختیار داریم، برگرفته از اوستای بزرگ کهن نیستند و حاصل تکرار مراسم آیینی‌اند.

۲. تفاوت‌ها:

الف) از تفاوت‌های دو پروژه آن است که «مویا» تمرکز اصلی خود را بر یسنا و آیین‌های مربوط به آن یعنی یسنا، ویسپرد و ونیدداد گذاشته است؛ در حالی که در «آدا» دیگر بخش‌های متن اوستا نیز مورد توجه قرار دارد.

ب) تفاوت دیگر آن است که در «آدا» تنها متن و آوانویسی مورد توجه است و حاصل کار آن هم در نهایت ارائه یک متن خواهد بود. در حالی که در «مویا» روخوانی و اجرای مراسم نیز مد نظر است و علاوه بر ثبت دست‌کم یک نمونه از آن، آوانویسی مطابق خوانش آیینی نیز ارائه می‌شود و به عبارتی پروژه‌ای چند رسانه‌ای محسوب می‌شود.

یادداشت‌ها

1. digitize
2. Abraham Hyacinthe Anquetil-Duperron
3. Rasmus Rask
4. Spiegel
5. Darmesteter
6. Bartholomae
7. Friedrich-Carl Andreas
8. Henning
9. Bailey
10. Benveniste
11. Morgenstierne
12. Jacques Duchesne-Guillemin
13. Humbach
14. Gershevitch
15. Hoffmann
16. Westergaard
17. Hoffmann
18. Alberto Cantera
19. SOAS
20. Freie Universität Berlin
21. MUYA
22. The Multimedia Yasna Project
23. metadata
24. Trier
25. Birmingham
26. Münster
27. Almut Hintze
28. Cambridge Digital Humanities
29. ADA
30. The Avestan Digital Archive
31. Salamanca

32. liturgical
33. exegetical

منابع

- مزداپور. کتابون (۱۳۸۷) «چند دستنویس نویافته اوستا»، نامه ایران باستان. سال هشتم. شماره ۱ و ۲. صص ۳-۱۹.
- Andreas. K. F. (1902) "Die Entstehung des Awesta-Alphabetes und sein ursprünglicher Lautwert," *Verhandlungen des XII. Internationalen Orientalisten-Kongresses in Hamburg 1902*. Leiden. 1903;
- Bailey. H. W. (1958) *Zoroastrian Problems in the Ninth-Century Books*. Oxford ;
- Bartholomae, Chr. (1878) *Das altiranische Verbum in Formenlehre und Syntax dargestellt*, Munich;
- Ibid (1906) *Zum Altiranischen Wörterbuch. Nacharbeiten und Vorarbeiten*, Strassburg,;
- Bartholomae. Chr. (1904) *Altiranisches Wörterbuch*. Strasburg, with additions and corrections in *Zum Altiranischen Wörterbuch*, Strasburg. 1906;
- Cantera, Alberto (2001) *Aula Orientalis*, vol 29, pp. 199-243;
- Ibid (2012) "Los manuscritos de Yasna con traducción pahlaví e instrucciones rituales (abāg zand ud nērang)", *ESTUDIOS FILOLÓGICOS*, vol. 37, pp. 503-523;
- Darmesteter, J. (1892-1893) *Le Zend-Avesta I-III*. Paris;
- Duperron, A. H. (1781) *Zend-Avesta: ouvrage de Zoroastre, contenant les idées théologiques, physiques & morales de ce législateur, les cérémonies du culte religieux qu'il a établi, & plusieurs traits importants relatifs à l'ancienne histoire des Perses : traduit en françois sur l'original zend, avec des remarques ; & accompagné de plusieurs traités propres à éclaircir les matieres qui en sont l'objet*. A Paris: Chez N.M. Tilliard. Librairie;
- Geldner, K. F. (1877) *Über die Metrik des jüngeren Avesta*, Tübingen;
- Ibid (1889-1896) *Avesta, the Sacred Books of the Parsis*. Stuttgart. 3 vols;
- Gershevitch, I. (2007) *The Avestan Hymn to Mithra*. Cambridge;
- Hoffmann. K. (1975-76) *Aufsätze zur Indoiranistik*. vol. I-II. Wiesbaden;
- Humbach, H. (1959) *Die Gathas des Zarathustra I-II*. Heidelberg;
- Insler. S. (1975) *The Gāthās of Zarathustra*, Tehran and Liège;
- Kellens. Jean (1998) "Considérations sur l'histoire de l'Avesta". *Journal Asiatique*. 286.2. p. 451-519;
- Ibid (2009) "Philology and the History of Religions in the Study of Mazdaism". *History of Religions*. Vol. 48. No. 4 (May 2009). pp. 261-269;
- Rask, Rasmus (1826) *Über das Alter und die Echtheit der Zend-Sprache und des Zend-Avesta, und Herstellung des Zend-Alphabets Nebst einer Übersicht des gesammten Sprachstammes*, Dunker und Humblot, Berlin;
- Ibid (1834) *The Zend Language: The Zend Avesta (from the translations of the Royal Asiatic Society of Great Britain and Ireland vol. III)*, J. L. Cox and Son, Printers to the Royal Asiatic Society, London;
- Reichelt, H. (1911) *Avesta Reader*. Strasburg. repr. Berlin. 1968;
- Westergaard, N. L. (1852-1854) *Zendavesta or the Religious Book of the Zoroastrians I*, Copenhagen;

منابع برخط:

- <http://ada.usal.es/> (تاریخ مراجعه به سایت: ۱۳۹۹/۱۰/۲۵)
- <https://ada.geschkult.fu-berlin.de/> (تاریخ مراجعه به سایت: ۱۳۹۹/۱۰/۲۴)
- <https://github.com/Multimedia-Avesta/> (تاریخ مراجعه به سایت: ۱۳۹۹/۱۰/۲۰)
- <https://multimediasna.wixsite.com/muya> (تاریخ مراجعه به سایت: ۱۳۹۹/۱۰/۲۱)
- <https://www.orinst.ox.ac.uk/avestan> (تاریخ مراجعه به سایت: ۱۳۹۹/۱۰/۱۵)